



سعادت بشری

بلز پاسکال

ترجمہ مرضیہ سروی

م. ۱۶۶۲ - ۱۶۲۳، بلز، پاسکال،

Pascal, Blaise

عنوان و نام پدیدآور: سعادت بشری / نویسنده بلز پاسکال؛ برگردان مرضیه خسروی.

مشخصات نشر: تهران: روزگار نو، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۰۰-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: human happiness.

موضوع: انسانیت -- کلمات قصار

موضوع: راه و رسم زندگی -- کلمات قصار

موضوع: دین -- فلسفه

شناسه افی: بروی، مرضیه، ۱۳۶۲، مترجم

رده ی نشر کنکره: P ۱۳۹۲ پ ۸۳ الف /

رده ی دیوب: ۸۰۸/۸۸

شماره کتاب سی ما: ۳۱، ۱۶۱۰

انتشارات: روزگارانو

سعادت بشری

نویسنده: بلز پاسکال؛ ترجمه ی مرضیه خسروی

ویراستار: کاوه عزیزی

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۰۰-۲

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰

Nashreroozegar.com

rozegar.no@gmail.com

سعادت بشری

بلز پاسکال

ترجمه‌ی مرضیه خسروی



ویرایش: کاوه عزیزی

۱. اح جلد: پرینا عزیزی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شماره کتاب: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۷-۵۰-۲

نشانی دفتر: تهران-خ انقلاب-خ دانشگاه-جنب خیابان شهدای

ژاندارمری-مرکز خرید دانشگاه-طبقه زیر همکف-شماره ۱۰۰

تلفن تماس: ۶۶۹۵۸۱۴۰

تلگرام: ۰۹۹۰۰۳۷۳۸۵۶

☞ @roozegar_book

© @roozegar_

خرید مستقیم از طریق ربات تلگرام

@roozegarstorebot

فهرست

۷	مقدمه
۱۵	سعادت بشری

مقدمه

بلز پاسکال (۱۶۶۲ - ۱۶۲۳) ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و فیلسوف فرانسوی بود که در سال‌های پایان عمر کوتاهش به الهیات روی آورد. پاسکال در سه سالگی مادرش را از دست داد و تحت آموزش پدرش قرار گرفت. دارهای اولی پاسکال در علوم طبیعی و کاربردی بود که وی در آنجا نقش مهم در ساخت ماشین حساب‌های مکانیکی و مطالعه سیالات داشت. وی همچنین نقشی مهم در توضیح مفهوم فشار و خلا نیز ایفا کرد. او همچنین در دفاع از روش علمی نوشته‌های بالارزشی دارد.

پاسکال به ایجاد دو زمینه جدید تحقیقاتی مهم کمک کرد. در ۱۶ سالگی رساله‌ای مهم در باب هندسه تصویری نوشت و در زمینه تئوری احتمال از ۱۶۵۴ با پیر دی فرما مکاتباتی داشت. پاسکال همچنین نقش چشمگیری در پیدایش اقتصاد مدرن و علوم اجتماعی داشت.

وی از جمله مهم‌ترین نویسندگان دوره کلاسیک فرانسه محسوب می‌شود و امروزه آثارش به عنوان شاهکار نثر فرانسه در نظر گرفته می‌شوند. استفاده وی از هجو و طنزنگاری بر مجادله گره‌های بعدی تأثیر گذاشت. مضامین کارهای ادبی پاسکال بیش از همه برای

مخالفتش با خردگرایی رنه دکارت و تاکید هم‌زمان بر این مطلب که فلسفه تجربه‌گرایی برای تعیین حقایق مهم ناکافی است در یادها می‌باشد.

در سال ۱۶۵۴ پاسکال تحت تأثیر یکی از دوستانش که به مسائل قمار و شرط بندی علاقه داشت، با فرما در این باب مکاتبه کرد و نتیجه آن مکاتبات تئوری احتمالات در ریاضی بود. و مشکل مورد نظر وی این بود که دو بازیکن قمار که بازی را زودتر ترک می‌کنند، با توجه وضعیت موجود بازی، می‌خواهند با توجه به شانسیشان براد بردن بازی، سهام را عادلانه تقسیم کنند. از این مبحث نظر ارزش "درد انتظار" بوجود آمد. پاسکال بعدها در "تفکرات" از استدلال‌های اسماعیل استفاده کرد، (شروط پاسکال)، تا ایمان و اعتقاد به خدا و زندگی زاهدانه را توجیه کند. کارهای ارزشمند فرمت و پاسکال در احتمالات و ریاضیات، مبنایی بسیار مهم برای لایبنیتز در خلق فرمول ریاضیات بسخرودی محسوب می‌شود.

دستاوردهای مهم پاسکال در ارتباط با فلسفه ریاضی مربوط به اثر وی بنام *De l'Esprit géométrique* (در باب مفهوم هندسه) بود. این کار برای مدت بیش از یک قرن پس از مرگ پاسکال انتشار نیافت.

مطالعات پاسکال در مورد سیالات (هیدروینامیک و هیدروستاتیک) بر اساس اصول سیالات هیدرولیک بود. این راجعات او در این زمینه شامل فشار هیدرولیک (استفاده از فشار هیدرولیک برای افزایش نیرو) و سرنگ بود.

پاسکال در این زمینه در سال ۱۶۴۷ (تجربیات جدید از خلأ) را نوشت. وی یکی از مهم‌ترین نظریات قرن هفده را در ارتباط با روش علمی ارائه داد: "برای اثبات یک فرضیه اینکه تمامی موارد



مطابق آن باشند کافی نیست، اما اگر تنها یک مساله خلاف آن باشد، همان یک مورد برای نقض فرضیه مورد نظر کافی است" تاکید و پافشاری وی در مورد وجود خلاء باعث اختلاف او با برخی دانشمندان مطرح زمان از جمله دسکارتس شد.

با توجه به زندگی پاسکال می‌توان گفت که دو مورد دلیل تغییر مذهب وی بوده‌اند: بیماری و یانسنگریایی. از حدود هجده سالگی درد کاسکال به نوعی بیماری عصبی دچار شد که هر روزه وی را آزار می‌داد. در سال ۱۶۴۷، در پی یک حمله عصبی پاسکال دچار لمسی از ام شد به طوریکه بدون عصا قادر به راه رفتن نبود. وی همیشه دچار سردی بود و از آن پس همیشه مشکل سوزش روده و معده داشت، پاهایش همواره سرد بودند و برای جریان یافتن خون در آنها نیاز به کمک بیرون بود، پاسکال برای گرم کردن پاهایش همواره جوراب هایش را در جوراب خیس می‌کرد. برای استفاده از روش‌های درمانی بهتر وی به بیمارستان خواهرش ژاکلین به پاریس رفت. سلامتی او بهبود یافت، اما سیستم عصبی پاسکال همچنان دچار مشکل بود. علاوه بر این وی دچار نوعی بیمار انگاری بود که تأثیر بسیاری بر شخصیت و نگرشش داشت. او حالا بسیار عصبی و تندخو شد و بسیار کم می‌خندید که این رفتارها را دید بعضی نشانه‌های غرور و سلطه‌جویی بودند. در سال ۱۶۵۰، لژن پدر پاسکال دچار آسیب دیدگی شد و در نتیجه وی تحت مراقبت یک دکتر یانسن‌گرا قرار گرفت. بلز اغلب با دکتر مکالماتی داشت و پس از درمان موفقیت‌آمیز پدرش از طریق وی کتاب‌هایی از نویسندگان یانسن‌گرا به امانت گرفت. در این دوره پاسکال نوعی «دگرگونی اولیه» را تجربه کرد و طی سال پس از آن شروع به نوشتن درباره موضوعات دینی کرد.

پاسکال در این زمان احساس دوری از عقاید اولیه مذهبی اش را داشت و طی چند سال این دوره را که به گفته وی "دوره زمینی" بود سپری کرد. پدر پاسکال در سال ۱۶۵۱ از دنیا رفت و به دنبال آن بلز اموال پدر را به ارث برد و سرپرست خواهرش ژاکلین شد که علی‌رغم میل برادر در همان سال در پورت-رویال راهبه شد. زمانی که وقت سوگند پایانی ژاکلین بود، بلز از دادن پول ارث پدر به وی برای مخارج راهبه شدن (جهیزیه عروس مسیح) خودداری کرد. بلز به ژاکلین نمی‌توانست موقعیت چندان مناسبی در دیر راهبه داشته باشد. به همین خاطر پاسکال نرم شد و تصمیم خود را عوض کرد.

پس از فراغت از درس خواهرش پاسکال دیگر هم آزاد بود و هم ثروتمند. وی یک خانه ملل پر از خدم و حشم برای خود تهیه کرد و سوار بر کالسکه‌ای با چهار یا پنج اسب به پاریس می‌رفت. پاسکال دوران فراغتش را به معاشرت با بذله‌گویان، زنان و قماربازان (گواه کارهای وی در مورد حساب احتمالات است) سپری می‌کرد. زمانی که وی به دنبال بانویی در ناحیه اوورن بود که آن بانو به نام سافوی دشت و صحرا یاد می‌کرد. در این زمان بود که پاسکال کتاب "مکالمه در باب احساسات عاشقانه" را نوشت. فکر ازدواج افتاد - که بعدها آن را به عنوان "پست‌ترین وضعیت زندگی که مسیحیان به آن مجاز شده‌اند" شرح داد.

ژاکلین، بلز را به خاطر لهو و لعبش نکوهش کرد و برای تغییر وی دعا کرد. در طی ملاقات‌هایش با خواهرش در پورت رویال در سال ۱۶۵۴، وی امور دنیوی را خوار و حقیر عنوان می‌کرد ولی کششی به سوی خداوند نداشت.

در تاریخ ۲۳ نوامبر سال ۱۶۵۴ او در تصادفی روی پل نیلی گرفتار شد که در آن اسب‌های کالسکه که کنترل خود را از دست داده بودند از دیواره پل پایین افتادند و کالسکه را به دنبال خود کشیدند. در این حین میله اتصال شکسته شد و کالسکه از اسب‌ها جدا و نیمی از آن از پل آویزان شد. پاسکال و دوستانش در این حادثه صدمه‌ای ندیدند، اما او که مرگ را در جلوی چشمانش دیده بود، از وحشت غش کرد و مدتی بیهوش شد. او که ۱۵ روز بعد به هوش آمد، تئیسیر مذهبی قوی‌ای در ذهنش نقش بسته بود که آن را در یادداشتی که به سرعت ثبت کرد: آتش. "خدای ابراهیم، خدای اسحاق، بخدای یسوع مسیح و نه خدای فلسفه دانان و دانشمندان و..." و یادداشت خود را به این‌گونه ختم نمود: "پیغام تو را فراموش نخواهم کرد. آمین." او این یادداشت را با دقت به کت خود دوخته بود و هرگاه لباس خود را عوض می‌کرد، آن را نیز جا به جا می‌کرد. خدمتکار او این یادداشت را پس از مرگ پاسکال پیدا کرد. در طول زندگی اغلب به غلط از وی به عنوان مری لابالی یاد می‌شد و بعدها تنها به دلیل اینکه بستر مرگ برای خود ساخته بود، طرد شد.

پاسکال که عقاید و باورهای مذهبی‌اش جزئی از زندگی او بود در ژانویه ۱۶۵۵ سفری ۲ هفته‌ای به صومعه‌ای قدیم در ورت رویال کرد. در این زمان یعنی بعد از تحولات مذهبی بود که او اولین اثر ادبی خود در مورد مذهب را با نام نامه‌های ایالتی نوشت.

پاسکال که نوشتن این مجموعه را در سال ۱۶۵۶ آغاز کرد، این اثر ضربه‌ای بیادماندنی به کازوистری، آیین مذهبی مذهب مشهوری که متفکران کاتولیسم در اوایل دوره مدرن (مخصوصاً یسوعیان) از آن پیروی می‌کردند، وارد کرد. پاسکال مغالطه‌گری را استفاده از استدلال پیچیده برای توجیه بی‌بند و باری اخلاقی عنوان کرد. روش استدلال وی بسیار زیرکانه بود: "نامه‌های ایالتی" به گونه‌ای نگاشته

شده است که چنین به نظر می‌رسد که شخصی پاریسی به دوستان ایالتی خود در موارد اخلاقی و الهیات، نامه‌هایی را نوشته که پس از مدتی باعث ایجاد محافل مذهبی و اندیشمندانه در پایتخت می‌شود. پاسکال با تلفیق عقاید یک کشیش باهوش و تجربیات افراد عادی سطحی جدید از نگارش را در نثر فرانسه ایجاد کرد.

مجموعه «نامه‌های ایالتی» در کنار تأثیر مذهبی‌ای که داشت، اثر ادبی مشهوری هم بود. استفاده از شوخی، مضحکه و هجو تند و گزنده در آن، مجموعه را برای خوانندگان کاملاً قابل هضم کرده بود.

پس از اینکه پاسکال از نظارت بر انتشار "نامه" آخرش فراغت یافت و به بازگشت، اعتقادات مذهبی وی بدلیل ارتباط نزدیکی با وقوع یک سونامی در دیر راهبه‌های پورت رویال افزایش یافت. خواهرزاده ۱۰ ساله پاسکال بنام مارگارت پریر دچار بیماری فیستول بود که باعث عفونی شدن بدنش شده بود و چشمها و بینش را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. پزشکان از مداوای وی ابراز ناامیدی کرده بودند. سپس در ۲۴ مارس سال ۱۶۵۷ یک انسان معتقد چیزی را به پورت رویال اهدا کرد که به عقیده وی و سایر معتقدین خاری از تاجی بود که باعث شکنجه حضرت مسیح شده بود. راهبه‌ها طی مراسمی با خواندن سرودهای مذهبی این خار را در محراب دیر خود قرار دادند. هر کدام از راهبه‌ها به نوبت این جسم مقدس را می‌بوسیدند و یکی از آنها که مارگارت را در بین عبادت‌کنندگان دید، جسم مقدس را برداشت و با آن پای دخترک را لمس کرد. غروب همان روز مارگارت اظهار داشت که چشم‌هایش دیگر درد نمی‌کنند و مادر مارگارت نیز متوجه شد که اثری از بیماری در بدن دخترک نیست و پزشک نیز از این قضیه را تاکید

کرد. پاسکال و نه راهبه این قضیه را که به اعتقاد آنها یک معجزه بود، در دور و اطراف پخش کردند. هفت پزشک دیگر که از بیماری مارگارت مطلع بودند، اظهار داشتند که به عقیده آنها معجزه اتفاق افتاده است. جمعیت زیادی از معتقدین برای دیدن و بوسیدن این خار آمدند و تمامی کاتولیک‌های پاریس نیز از این معجزه احساس شادمانی کردند. بعدها هم کاتولیک‌ها و هم یانسن‌گراها از این معجزه مستدل در دفاع از عقاید خود استفاده کردند. در سال ۱۷۲۸، پاپ بندیکت با اشاره به این معجزه اظهار داشت که عصر معجزه هنوز به پایان نرسیده است.

تفکرات

متأسفانه پاسکال نتوانست پیش از مرگش مهم‌ترین کار مذهبیش به نام Pensées را اتمام رساند. قرار بود که این اثر بررسی بی‌نقض و جامعی در دفاع از مسیحیت باشد پس از مرگ وی صفحاتی دست‌نوشته در وسایل او یافت شد که بر روی آنها افکار مختلفی به صورت درهم اما گویا نوشته شده بودند. اولین نسخه از این نوشته‌های مجزا در سال ۱۶۷۰ (با نام تفکرات پاسکال در ارتباط با مذهب و سایر موضوعات) به صورت کتاب چاپ شد و بلافاصله به اثری ارزشمند تبدیل شد. نگرانی و هراس رومی و پاسکال و اندیشمندان از اینکه این تفکرات گسسته بجای زهد و دست‌اندرکاران به ایجاد شبه در دین شود باعث شد تا آنها قسمت‌های مورد شک را مخفی کرده و سایر قسمت‌ها را تغییر دهند، به نحوی که به ناخشنودی شاه و یا کلیسا نشوند در آن زمان دیگرآزارها و اذیت‌های قبلی متوجه پورت‌رویال نبود و ویراستاران تمایل نداشتند که دوباره این آزارها و مشکلات از سر گرفته شوند. تا قبل از قرن نوزدهم "تفکرات" به صورت کامل و اصل منتشر نشد.

«تفکرات» پاسکال شاهکار و نقطه عطفی در نثر فرانسه محسوب می‌شود. سنت بیو در ارتباط با یکی از قسمت‌های این کتاب اظهار داشت که این صفحات بهترین در زبان فرانسه هستند. ویل دورانت، در اثر جامه یازده جلدیش «تاریخ تمدن» آن را به عنوان بهترین کتاب نثر فرانسه مورد ستایش قرار داد. پاسکال در «تفکرات» چندین تناقض فلسفی را بررسی کرد: بیکرانی و هیچ، ایمان و خرد، درون و ماده، مرگ و زندگی، معنا و پوچی و... و چنین به نظر می‌رسد که غیر از جهل، خضوع و گذشت به نتایج دیگران دست نیافت. و با ادغام آنها وی شروط پاسکال را ایجاد کرد.

مرگ
زندگی زانسانه پاسکال نتیجه عقیده‌ای بود که طبیعتاً برای رنجش یک فرد کافی بود. در سال ۱۶۵۹، پاسکال که هیچ گاه از نعمت سلامتی برخوردار نبود، به شایستگی احساس بیماری کرد. طی سال‌های پایانی زندگی‌اش، پاسکال از درمان پزشکانش سر باز می‌زد و عنوان می‌کرد: بیماری وضعیتی طبیعی برای مسیحیان است.

در سال ۱۶۶۲ بیماری پاسکال وخیم‌تر شد. پاسکال با آگاهی از اینکه سلامتی‌اش رو به وخامت است، خواستار بستری شدن در بیمارستان شد، اما دکتر وی اعلام داشت که رحمت او چنان ناپایدار است که نمی‌شود او را به بیمارستان منتقل کرد. در تاریخ ۱۸ آگوست سال ۱۶۶۲ در پاریس، پاسکال دچار تشنج شد و مراسم تدفین و نیایش برای وی به اجرا درآمد. صبح روز بعد وی جان باخت، در حالی که این کلمات را بر زبان داشت «خدایا هرگز تنه‌ایم نگذار».

این کتاب برگزیده‌ای از کتاب «تفکرات» است.